



مروری گذرا بر جشنواره سی و نهم تئاتر فجر

روز از نو روزی از نو



رضا آشفته
منتقد تئاتر

جشنواره سی و نهم تئاتر فجر به دلیل قرار گرفتن در شرایط سخت و دشوار کرونایی یکی از متفاوت‌ترین دوره‌هایش را پیش روی دارد. جشنواره‌ای عریض و طویل که امسال به ناچار باید به اختصار برگزار می‌شد و تمام تعاریف سی و هشت دوره پیش از این باید به کنار گذاشته می‌شد و یکبار دیگر از قواعد بازی و شرایط حضور و برگزاری نوشته می‌شد یعنی روز از نو و روزی از نو که بازتاب حرکت و امید است.

این آرزوی برخی از تئاتری‌ها بوده است چون جشنواره عریض و طویل فرصت دیده شدن و درخشش کارهای بهتر را می‌گرفت و انگار دوست داشتیم که وجه بین‌المللی‌اش بیشتر نمایان باشد که هیچ‌وقت میسر نمی‌شد و امسال در کل بخش بین‌الملل بی‌رنگ شد چون رفت‌وآمد بین‌المللی تقریباً در این روزها ناممکن است. یعنی دوست داشتیم که ده تا پانزده کار خارجی در کنار چهار پنج کار ایرانی بخش اصلی و رقابتی را شکل می‌داد که اجرای همین آثار ممتاز می‌توانست نقطه قوت جشنواره باشد که تأثیراتش به اجرای همگانی در سراسر ایران می‌رسید. دعوت و دیدن همین کارهای نمونه و درخشان از چهار گوشه جهان می‌تواند حال تئاتر ما را بهتر کند یا تئاتر ما مرهون چنین حضور پرتنگ و لعابی است که هنوز هم در حد یک رؤیاست بویژه در این هفت هشت ساله اخیر که با تشدید تحریم‌ها مراودات هنری نیز تقریباً

با دشواری انجام می‌شد. هر چند در دهه ۸۰ این روابط بهتر بود و هر سال نیز سه چهار کار ممتاز و درخشان به ایران می‌آمدند و ما تا جشنواره بعدی شاهد تأثیراتی روزن افزون بر تئاتر ایران می‌بودیم چون همین دیدن‌ها و انجام نقدها و گفت‌وگوها و بعد جست‌وجوگری‌ها و مطالعات ضمنی راه را برای ورود نکات تازه و بارز باز می‌کرد. اما امسال با آنکه بخش بین‌الملل به صفر رسیده اما هیچ از ارزش جشنواره به اندازه سرسوزنی نیز کاسته نشده چون امسال نفس برگزاری و حضور اهمیت داشته که خوشبختانه چنین هم شده است. اینکه جشنواره تئاتر فجر در بهمن ۹۹ محقق شده، خودش یک حرکت ملی و آرمانی است که به اهل تئاتر و فرهنگ امید می‌دهد که باشند و از آن‌سو همچنان بمانند و کار کنند و به مردم با امیدواری بیشتر، فرهنگ ارزانی دارند. این امکان بخشش و همه‌جانبه‌گرایی در تئاتر هست که در ویتترین تئاتر فجر سی و نهم تا حدودی نمایان است و آنچه را پس از این در خود تئاتر تهران و شهرستان‌ها باید ردیابی کنیم که با حفظ دستورات بهداشتی و موازین پزشکی بتوانند اجراهای همگانی را برای مردم شهر و دیارشان در پیش گیرند.

در جشنواره سی و نهم در بخش اجرای آثار نمایشی شاهد اجرای ۱۰۷ نمایش هستیم که در این شرایط دشوار و تقریباً ناممکن، این خود عدد رضایت‌بخشی است چون همین تعداد نیز می‌تواند ما را امیدوار نگه دارد که هنوز هم اراده پولادین برای حضور و کار کردن است. از این تعداد ۴۹ نمایش از تهران (۴۶٪) و ۵۸ نمایش از سایر استان‌ها (۵۴٪) حضور دارند که باز هم رقم قابل توجه‌ای است چون همواره تعداد آثار تهرانی بیش از ۵۰ درصد بوده و بالا رفتن تولیدات شهرستانی باید با میل و رغبت بیشتری در سال‌های آینده، به هوای بالا رفتن کیفیت در شهرستان‌های مختلف ایران پیگیری شود و کاملاً تمرکززدایی از پایتخت انجام شود که همه ایران نیازمندی‌های فرهنگی‌اش را از تئاتر وصول کند.

اما در تفکیک آثار اجرایی می‌بینیم که آثار صحنه‌ای (در دو بخش مسابقه و غیررقابتی) اجرا می‌شود: از مجموع ۴۸ نمایش، تهران ۲۸ نمایش (۵۸٪) و سایر استان‌ها ۲۰ نمایش (۴۲٪) آثار را به جشنواره امسال آورده‌اند که در چند رقم قابل اعتنائی نیست اما امیدوارکننده است که شهرستانی‌ها هم توانسته‌اند باز هم رقم

بهتری را به نسبت سال‌های قبل به خود اختصاص دهند. اما در زمینه آثار خیابانی (در دو بخش مسابقه و سرباز انقلاب): از مجموع ۳۹ نمایش، تهران ۸ نمایش (۲۱٪) و سایر استان‌ها ۳۱ نمایش (۷۹٪) آثار را به خود اختصاص داده‌اند که رقم چشمگیری برای فعال شدن تئاتر خیابانی در شهرهای مختلف است.

متأسفانه هنوز در زمینه آثار دیگر گونه‌های اجرایی کفه ترازو به نفع تهران است چنانچه از مجموع ۱۰ نمایش، تهران ۹ نمایش (۹۰٪) و سایر استان‌ها ۱ نمایش (۱۰٪) آثار را به خود اختصاص داده‌اند که در سال‌ها بعد باید شاهد رشد این گونه‌های غیرمتعارف در شهرهای ایران نیز باشیم.

اما در زمینه آثار رادیو تئاتر شهرستان‌ها فعال‌ترند: از مجموع ۱۰ نمایش تهران، ۴ نمایش (۴۰٪) و سایر استان‌ها ۶ نمایش (۶۰٪) آثار را به جشنواره تئاتر فجر رسانده‌اند که این رقم همچنان می‌تواند به نفع تولیدات شهرستانی پیش برنده باشد.

با این اوضاع و احوال هم جشنواره تئاتر فجر دارد برگزار می‌شود و هم اتفاقات تعیین‌کننده‌ای برای سال‌های بعد رقم خواهد خورد.

اینکه جشنواره با حال و هوای انسانی برگزار شود، خود بهترین بازتاب را در پی خواهد شد و میزان تأثیرگذاری‌اش را دو چندان خواهد کرد. در ضمن به تولیدات شهرستانی بیش از پیش بها قائل شویم که تئاتر برای همه به معنای تئاتر برای تهران‌نشین‌ها نخواهد بود بلکه این همه در دورترین نقاط کشور نیز حضور دارند.

همچنین کیفیت زمانی بالاتر خواهد رفت که مراودات تئاتری در صورت مهیا شدن روابط بین‌المللی گسترده‌تر شود و تئاتر ما همچنان باید از تئاتر جهان بیاموزد و البته با کشف پتانسیل‌های موجود و بازگشت به سنت‌ها و آیین‌های نمایشی بشود در بازآفرینی و نو شدن این گونه‌های فراموش شده، مسیر تازه‌ای را برای عرضه ملی و بین‌المللی گونه‌های تلفیقی و ترکیبی خلاقه یافت. به هر حال هر کشور تاریخ و فرهنگی دارد که در نسبت‌های معاصرش می‌تواند در بازآفرینی و آفرینش بهتر هنرش را در جهان به بهترین شکل ممکن نمایان سازد. اینکه صرفاً بخواهیم مقلد غرب و شرق باشیم و به کل خود را کنار بگذاریم، نه تنها راه به جایی نمی‌بریم که در واقع راه خودمان را هم می‌گم می‌کنیم و این سردرگمی نوعی هلاکت و ویرانی است.